

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary - Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن - المان
هشتم اگست ۲۰۰۸

وعدۀ تصویر

وعدۀ کردی که فرستم ، یکی تصویر ، چه شد؟
کاسۀ صبر من از وعدۀ شکستن ، بیشکست
ای بهانه گر و ، ای شوخ و ، ای وعدۀ خلاف
گر دو سه عاشق بیچاره ، چو تو پیدا بود
قهر از من مشو و ، من ز تو قهرم به خدا
عاشقان در پی معشوق ، دوانند ، ولی
از خدا حافظی و قهر ، سخن می رانی
جگرم پاره نمودی و ، نمک می پاشی
پس ازین نام مرا محو کن از صفحۀ دل
آخرین پاسخ من گیر و ، نما تعویذش

به امیدش ، من آواره شدم پیر ، چه شد؟
پتره و ، پتره گر و ، جرأت تدبیر ، چه شد؟
تهمت ، بر من افسرده ز تحقیر ، چه شد؟
همه معشوقه به فریاد ، که زنجیر ، چه شد؟
که به آزار دلم ، لحظه ای تأخیر ، چه شد؟
من بقریان سرت ، قسمت و تقدیر ، چه شد؟
ناز کم کن صنما ، توبه و تقصیر ، چه شد؟
مرچ تند سخن و سوزش و تأثیر ، چه شد؟
زیر پا کرده بگو ، منبع تنویر ، چه شد؟
دل «نعمت» چه شد و قدرت تسخیر ، چه شد؟

وعدۀ کردی که فرستم ، یکی تصویر ، چه شد؟

به امیدش ، من بیچاره شدم پیر ، چه شد؟